

• دریافت ۹۰/۷/۱۰

• تأیید ۹۱/۲/۵

## تحلیل صحنه آغازین و بخش مقدماتی منظومه‌های حماسی: بانوگشسب نامه، برزونامه، بهمن نامه و گرشاسب نامه، بر پایه نظریه پراپ

کاظم دزفولیان\*

معصومه طالبی\*\*

### چکیده

ریخت شناسی قصه‌های پریان، اثر ولادیمیر پراپ (Vladimir Propp)، زبان شناس روسی، اثری دوران ساز است که از زمان ظهور خود تا دهه‌های بسیار، توجه منتقدان را به خود معطوف کرد. به رغم اینکه جایگاه این کتاب، در سایه روشن فرمالیسم و ساختارگرایی در نوسان بود، سرانجام به عنوان اثری معرفی شد که کارکرد آن، گزار از فرمالیسم، به ساختارگرایی است. پراپ، پس از بررسی طبقه‌ای از قصه‌های عامیانه، تحت عنوان قصه‌های پریان، این نظریه را مطرح کرد که قصه‌ها دارای اشکال متفاوت، با شخصیت‌های مختلف، اما دارای یک طرح بنیادین اولیه هستند. در این مقاله، با تکیه بر این رویکردها، تلاش می‌شود نگاه دژه نگر به ادبیات، کنار گذاشته شده و با نگاهی شامل\* و در عین حال نوین، به ساختار کلی منظومه‌های حماسی نگریسته شود و نشان داده شود که چگونه خویشکاری مطرح شده از جانب پراپ، به طرز شگفت، به ویژه در صحنه‌های آغازین این منظومه‌ها و بخش مقدماتی داستان‌ها، قابل ردیابی است.

### کلید واژه‌ها:

منظومه‌های حماسی، ریخت شناسی، پراپ، بخش مقدماتی، صحنه آغازین.

k\_dezfulian.sbu.ac.ir

\*استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی

\*\*دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی masoome.talebi@gmail.com

**مقدمه:**

به جرأت می‌توان گفت، اغلب ما ایرانیان، یک منظومه حماسی می‌شناسیم و آن شاهنامه است که به دلایل مختلف، سیطره قدرتمند آن بر دیگر منظومه‌های پهلوانی، آنها را در سایه قرار داده و به حاشیه رانده است. شاهکار فردوسی، به دلیل کمال تام آن، الگوها و چارچوب‌هایی درباره حماسه ارائه کرده است، که قدرت پذیرش آثار ضعیف تر از خود را برای ایرانیان، تنگ میدان کرده است. از آن جایی که هر آفریده بزرگ هنری «انگیزه پدید آوردن داستان‌هایی همانند با بهره گیری از سنت‌های کهن حماسی می‌شود»، (برتلس ۱۳۶۹: ۱۴۷) پس از فردوسی<sup>۱</sup> به ویژه در قرن پنجم<sup>۲</sup> منظومه‌های بسیاری به سیاق اثر او سروده شد، اما هیچ یک نتوانست تأثیری گذاشته و جایی را در ذهن و قلب ایرانیان از آن خود کند. مول، مدعی است که حماسه‌های پس از شاهنامه، از هنر تهی است و فقط پر کردن خلأهایی است که شاهنامه بدان نپرداخته و برتلس این منظومه‌ها را تقلیدی اغراق گونه از شاهنامه می‌داند.<sup>۱</sup> حمیدیان معتقد است، پرداختن بیش از حد اسدی به حوادث عجیب و خارق العاده، سبب کاهش عمق و اعتلای داستان‌های گرشاسب نامه شده است<sup>۲</sup> و شفیعی کدکنی، تصاویر او را حماسی نه، بلکه غنایی می‌داند<sup>۳</sup> و یا در مورد بهمن نامه، که برخی آن را ضد حماسه و پایان حماسه می‌دانند.<sup>۴</sup> در کنار اغلب این نوع انتقادات، که جزئی نگر بوده و به دنبال عاملی در درون خود اثر، برای عدم موفقیت آنها می‌گردند، دکتر شفیعی کدکنی حوزه وسیع تری را در نظر گرفته و از ساختار ساختارها سخن می‌گوید و ضعف آن را عامل اصلی می‌داند. ساختار ساختارها «یعنی هر ساختاری در ساختار بزرگ تر از خود، اثر دارد و مجموعه ساختارها نیز، مانند امواج آب، بر یکدیگر اثر دارند... وقتی دوران شکوفایی ساختارهای بزرگ تر باشد، محال است ساختارهای کوچک تر در انحطاط مطلق به سر برند و یا در عصر انحطاط ساختار ساختارها، یک ساختار کوچک به طور مطلق اوج بگیرد.» به نظر ایشان، در تاریخ فرهنگ ایران اسلامی، حدود قرن چهارم، عصری است که ساختار ساختارهایش در اوج و برجسته و ممتاز است و «در آن چشم انداز، در روی کره زمین، شاعری برتر از فردوسی و فیلسوفی برتر از ابن سینا و دانشمندی بزرگ تر از ابوریحان و نظریه پردازی در حوزه بلاغت، بزرگ تر از جرجانی وجود نداشته است.»<sup>۵</sup> اما وجود شاهکار در هر حوزه ای، نشانه بی ارزشی آثار دیگر آن حوزه نیست و به رغم انتقادات و جایگاهشان، منبعی غنی برای تحقیق در مورد حماسه، اسطوره، فولکلور و... هستند و اگر دارای وقایعی مشابه شاهنامه هستند، «هرگز دلیل آن نیست که سرایندهگان این داستان‌ها این وقایع را

خود به تقلید از وقایع شاهنامه ساخته‌اند، بلکه آنها نیز مانند فردوسی، از منابع اصیل کتبی یا شفاهی استفاده برده‌اند.<sup>۵</sup> (خالقی مطلق ۱۳۸۸: ۲۹) بر اساس چنین دلایلی و دعوت به توجه به این گونه آثار، در این مقاله، اندکی سنت شکنی شده و نویسندگان، منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه مانند بهمن نامه، بانوگشسب نامه، برزنامه و گرشاسب نامه را به عنوان مواد مورد تحقیق خود برگزیده‌اند. تلاش بر آن است تا تحلیلی ساختارگرایانه بر پایه ریخت شناسی پراپ، از این منظومه‌ها ارائه شود. نگاه ساختار گرایانه، نگاهی شامل به ساختار کلی و بیرونی آثار است، که اگرچه «در تاریخ مطالعات بلاغت ایران و اسلام و البته نقد ادبی کلاسیک جهان، از توجه به طرح کلی اثر کمتر نشانی هست»، (توکلی ۱۳۸۹: ۲۷) اما، یونانیان با سردمداری افلاطون و به ویژه ارسطو، در این راه پیشرو هستند. ارسطو، در فن شعر خود تا اندازه ای به این نوع نگاه نزدیک شده است. «اینکه هنوز در عهد ما نیز، این رساله همچنان حیات پر سرگذشت خود را با همان سرشاری و پرباری گذشته ادامه می‌دهد، نه فقط از آن روست که اولین اثر علمی یونان باستان در زمینه نقد ادبی است، بلکه مخصوصاً از آن جهت است که نقد و شناخت شعر، شیوه ای را دنبال کرده است که محققان و نقادان دقیق عصر ما نیز، کم و بیش جز همان شیوه را دنبال نمی‌کنند.» (زرین کوب ۱۳۸۵: ۹۷) ارسطو، در توصیف ساختار روایت‌ها نیز پرچمدار است: «تلاش برای توصیف ساختارهای روایی پایه، از زمان ارسطو آغاز شده و به کرات گفته می‌شود که از زمان او تاکنون، چندان پیشرفتی حاصل نشده.» (اسکولز ۱۳۸۳: ۱۳۴) ما ایرانیان، به رغم یونانیان، که نخستین گام‌ها را در این زمینه برداشتند و نظراتشان شالوده بسیاری از بحث‌ها در زمینه نقد نظری و عملی شد، در مطالعاتمان، کوشش برای تبیین بافت و ساختار کلی اثر، بسیار کم دیده می‌شود. فرمالیسم،<sup>۶</sup> مهمترین تلاش‌ها را در این زمینه کرده است و سپس ساختارگرایان و ولادیمیر پراپ، به آن دست یازیده‌اند. جنبشی که به سال ۱۹۱۴ نخستین نشانه هایش آشکار شد و در آخرین سال‌های دهه ۱۹۲۰ در پی حمله‌های رژیم استالینیستی از هم پاشید. عده ای از محققان معتقدند که فرمالیسم اولیه نیز، بر اساس اقدامات اولیه مکتب سمبولیسم، پایه گذاری شده است.<sup>۸</sup> سؤال اساسی برای آنان این بود که ادبیات چیست و چه چیزی متون ادبی را از دیگر اسناد متمایز می‌کند؟ آنان در پی پاسخ به این سؤال «عقیده داشتند که ادبیات، با به کار گیری گستره وسیعی از «تمهیدات» آشنایی زدا، زبان مورد استفاده خود را از زبان غیر ادبی متمایز می‌کند.» (برتس ۱۳۸۷: ۶۴)<sup>۹</sup> فرمالیسم برای رسیدن به پاسخ‌های خود، به جای تحلیل محتوی، به بررسی فرم پرداخت و در پی پیدا کردن روابط میان اجزای ساختاری

زبان ادبی،<sup>۱۰</sup> به زبان‌شناسی متوسل شد و سرانجام استبداد حاکم به حیات آن پایان داد. اما ریشه‌ها و مبانی نظری آن در سال‌های بعد، پایه‌گذار اصالت ساخت یا ساختار‌گرایی بود. ساختار‌گرایی که در دهه ۱۹۶۰ به شکوفایی خود رسید، «رهیافتی به تحلیل ادبی است، که ریشه در زبان‌شناسی ساختار‌گرایانه علم زبان دارد.» (برس‌لر ۱۳۸۶: ۱۲۵)<sup>۱۱</sup> که به نظر عده‌ای از محققان، ارائه تعریف کامل برای آن دشوار است. «یکی از دلایل این امر، آن است که برای مدتی منزلت یک آیین را کسب کرد. این اصطلاح در فرانسه ساخته شد، جایی که روشنفکران در زندگی عامه مردم، معمولاً نقشی مهم‌تر از هم‌تایانشان در بریتانیا و آمریکا ایفا کرده‌اند و کارشان گاهی دنباله‌روانی پیدا می‌کند که آن را تا حد نوعی خرده فرهنگ ارتقا می‌دهد.» (کرایپ ۱۳۸۱: ۱۶۵) و ریتزر، آن را جستجوی قوانین کلی و تغییرناپذیر بشریت و بابک احمدی، آن را کشف دنیای نشانه‌های ادبی می‌داند.<sup>۱۲</sup> ساختار‌گرایی، حیات خود را از زبان‌شناسی و بر پایه اندیشه‌های سوسور- تفاوت مطالعات هم‌زمانی و در زمانی و تفاوت میان زبان و گفتار-<sup>۱۳</sup> آغاز کرده بود؛ اما در حوزه‌های مختلف اثر گذار شد: فلسفه، نظریه اجتماعی، نقد ادبی، روانکاوی، تاریخ اندیشه، فلسفه علم و مردم‌شناسی و در تمام این حوزه‌ها به دنبال نظام و ساختار بود، که دلیل آن اینگونه قابل توجیه است که، مهمترین محور در هر نوع ساختار‌گرایی، مقابله با اندیشه ذره‌گراست، یعنی «نظریاتی که پدیده اجتماعی را، همچون ذره واتمی، منفک از پیرامون آن، مورد بررسی، شناخت و تحلیل قرار می‌دهند؛ در حالیکه در اندیشه ساختار‌گرا، هیچ پدیده‌ای را نمی‌توان به صورت «ذره» از متن و زمینه آن جدا کرد و مورد مطالعه قرار داد.» (فکوهی ۱۳۸۱: ۱۷۲) ساختار‌گرایی، پس از مطرح شدن در این زمینه و تقویت نظریه‌های آن در حلقه زبان‌شناسی پراگ، ابتدا در مردم‌شناسی لوی استروس، به صورت کاربردی استفاده شد، که آن را در بررسی اسطوره‌ها آزمود. سپس در زبان‌شناسی ساختار‌گرا، به دست یاکوبسن، تروبتسکوی و یلمزف، تعدیل و پرورانده شد و افرادی چون ژ. گرماس، برمون و تزوتان تودوروف، آن را وارد حوزه روایت‌شناسی کردند.

### پراپ و چارچوب نظری او:

ریخت‌شناسی، اصطلاحی است که نخستین بار، پراپ آن را از خاستگاه اصلیش، یعنی علوم زیست‌شناسی و گیاه‌شناسی، وام گرفته و وارد حوزه ادبیات کرد. ولادیمیر پراپ، زبان‌شناسی روسی است که با انگیزه طبقه‌بندی قصه‌های عامیانه، به تحلیل ساختار آن قصه‌ها پرداخت و

در تحلیل آن‌ها، شیوه هم زمانی را، جایگزین در زمانی کرد<sup>۱۴</sup> و در پایان به نتایجی رسید که به دلیل قابلیت جهانی و قدرت تطبیق آن، عرصه جهان را پیمود. سؤالی که مدتها مطرح بوده، این است که، پراپ، فرمالیست است یا برخاسته از ساختارگرایی؟ عده‌ای، او را فرمالیست می‌دانند. «ولادیمیر پراپ، البته فرمالیست بود و می‌توان گفت نماینده موضع فرمالیستی، در دل ساختارگرایی ادبی است.»<sup>۱۵</sup> (اسکولز ۱۳۸۳: ۹۲) اما، برخی اثر او را، تحلیل ساختارگرایانه به حساب آورده‌اند. «ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، اثر ولادیمیر پراپ، از جانب روایت شناسان، به عنوان یکی از تأثیرگذارترین نوشته‌ها، در زمینه ساختار داستان شناخته می‌شود.»<sup>۱۶</sup> شاید مهم‌ترین دلیل این باشد که، آبشخور ریخت‌شناسی پراپ، فرمالیسم و به تبع آن، ساختارگرایی است؛ اما بهتر آن است که این اثر، گذار از فرمالیسم به ساختارگرایی به حساب آید. پراپ، قصه‌های پریان را بررسی کرده و لانگ آن‌ها را آشکار ساخت. بنا به تحلیل وی، تمامی قصه‌های عامیانه یا قصه‌های پریان، بر سی و یک عنصر ثابت مبتنی است، که به ترتیب روی می‌دهد. در هر داستان، ممکن است هرچند تعدادی از این عناصر به کاررفته باشد، اما هر عنصر، طبق ترتیب مقتضی خود روی می‌دهد. او دریافته بود که، اگر بسیاری از قصه‌های عامیانه را، به دقت بررسی و آن‌ها را بر اساس خویشکاری‌ها، تجزیه کنیم، «عملاً یک داستان بنیادین و مشابه را در تمامی آنها می‌یابیم.» (برتس ۱۳۸۷: ۵۰-۴۹) هر عملکرد یا فعالیتی، یک خویشکاری محسوب نمی‌شود، بلکه خویشکاری، «یعنی عمل شخصی از اشخاص قصه، که از نظر اهمیتی که در جریان عملیات قصه دارد، تعریف می‌شود.» (پراپ ۱۳۸۶: ۵۳) و پاتریک مورفی، این گونه تعریف می‌کند: خویشکاری در بیشتر موارد، به صورت اسمی است که عملی را بیان می‌کند.<sup>۱۷</sup> پراپ با تجزیه کردن عملکرد شخصیت‌های قصه اش، که آن‌ها را خویشکاری نامید، نتیجه گرفت که عملکردها ثابت و محدودند، اما به وسیله شخصیت‌های مختلف انجام می‌پذیرند. به طور کلی خویشکاری‌ها: ۱- عناصر ثابت و پایدار قصه را تشکیل می‌دهند و از اینکه چه کسی آنها را انجام می‌دهد و چگونه انجام می‌پذیرند، مستقل هستند. ۲- شمار خویشکاری‌ها که در قصه آمده است، محدود است. ۳- توالی خویشکاری‌ها ثابت است. ۴- همه خویشکاری‌ها در همه قصه‌ها نمی‌آیند. تعداد خویشکاری‌های پراپ، ۳۱ خویشکاری است و هفت حوزه عمل را مطرح کرده است: قهرمان، قهرمان دروغین، یاری رسان، شاهزاده... که پژوهشگران دیگر، این حوزه‌ها را تقلیل داده‌اند. «گریماس این کنشگرها را به فرستنده و گیرنده، یاری دهنده و دشمن تقلیل داد.» (ایگلتون ۱۳۸۳: ۱۴۴)<sup>۱۸</sup>

با توجه به اینکه «بیشتر قصه‌های مورد تحلیل او، جزء گنجینه تپ‌های قصه در سطح بین المللی هستند، با جزئی اختلاف، تقریباً درباره همه قصه‌های عامیانه هند و اروپایی صادق است.» (پراپ ۱۳۸۶ : سیزده) و از آنجایی که در داستان‌های روایی قابل بررسی است، نگارندگان برآنند، تا بر پایه اندیشه‌ها و نظریات پراپ، به تحلیل و بررسی صحنه آغازین برخی از منظومه‌های پهلوانی (بهمن نامه، برزنامه، بانوگشسب نامه، گرشاسب نامه) و خویشکاری‌های مربوط به مقدمه قصه‌ها بپردازند. اما پیش از آن، منظومه‌ها به اختصار معرفی می‌شوند.

### معرفی منظومه‌های مورد بررسی:

**گرشاسب نامه:** سروده اسدی طوسی، شاعر قرن پنجم هجری است. این کتاب، ظاهراً در قرن پنجم و ششم، شهرتی بسیار داشته و صاحب تاریخ سیستان، بارها از آن نام برده است.<sup>۱۹</sup> نظم آن، حدود سال ۴۵۶ آغاز شده و به سال ۴۵۸ خاتمه یافته است. نسخ مختلف آن، هفت تا یازده هزار بیت دارد و محیط طباطبایی، احتمال داده‌اند که گرشاسب نامه نیز، مانند شاهنامه دو بار تدوین شده است. (طباطبایی ۱۳۶۹ : ۳۳۵) این اثر، داستان دلآوری‌های گرشاسب، جد رستم و پهلوان سیستان است که کار نمایان او «پیروزی بر اژدهاست و همان پهلوانی است که در آخر دنیا، هنگامی که ضحاک از بند فریدون می‌گریزد، این اژدهای پلید را هلاک می‌کند.» (کارنوی ۱۳۴۱ : ۹۱-۹۰) او شخصیتی است بسیار کهن، که به دوران هندواروپایی تعلق دارد و نام او چندین بار در اوستا آمده است.<sup>۲۰</sup> در ادبیات پهلوی، گاه او را سام می‌خوانند، ولی در ادبیات فارسی، این لقب، خود به صورت شخصیت مستقلی درآمده است و سرکاراتی، تثلیث گرشاسب، نریمان و سام را برخاسته از یک اصل واحد اسطوره ای می‌داند.<sup>۲۱</sup> گرشاسب، پهلوان اول زردشتیان است، اما در شاهنامه، این عظمت، جذب رستم شده است.<sup>۲۲</sup> در گرشاسب نامه، گرشاسب اعمال شگفت‌انگیز بسیاری انجام می‌دهد و با زیانکارانی چون سگساران، بیر بیان، اژدها، زنگی، منهراس دیو و... نبرد کرده و غلبه می‌کند. این نبردها، آثار باقی مانده از سابقه نبردهای او در متون پهلوی است. در این متون، او با اژدهای شادخدار، گندروی زرین پاشنه،<sup>۲۳</sup> سناویذک، هیتاسب (قاتل برادرش)، راهداران، پرنده کمک و دیوانی چون: بت دیو، استویهداد دیو، پوش دیو و... مبارزه می‌کند.<sup>۲۴</sup> این منظومه، کهن‌ترین منظومه پس از شاهنامه و از موق‌ترین نمونه‌هاست.

**برزنامه:** بلندترین منظومه حماسی است که پس از شاهنامه و به تقلید از آن سروده شده

است و همین درازی آن، موجب گشته تا ناقلان، منظومه‌هایی را به صورت جداگانه از آن نقل کنند، مانند سوسن نامه.<sup>۲۵</sup> آنچه دبیرسیاقی، تصحیح و چاپ کرده، ۳۶۶۴ بیت است. این منظومه، داستان زندگی برزو پسر سهراب و دلآوری‌های اوست، که طرح داستانی آن، نبرد با خویشاوند بوده و تقلیدی است از داستان نبرد رستم و سهراب. سهراب به شنگان رسیده و پس از آرمیدن با شهرو و ترک کردن او، صاحب پسری می‌شود که بعدها در مقابل رستم قرار می‌گیرد، اما در نهایت، پس از پی بردن به هویت خود، به سپاه رستم می‌پیوندد. (در برخی از دست‌نویس‌ها و بر اساس روایت هفت لشکر، به برزو نبردهای بسیار دیگری از نوع عامیانه نسبت داده شده است).<sup>۲۶</sup> درباره سراینده و تاریخ نظم آن، نظریات متفاوت است. صفا، آن را منسوب به شاعری، به نام عطایی کرده و کتاب را متعلق به قرن پنجم، یا آغاز قرن ششم می‌داند.<sup>۲۷</sup> اما به نظر نحوی، برزنامه در اصل، دارای دو منظومه جداگانه بوده است، که بخش کهن آن را، شاعری به نام شمس الدین محمد کوسج، در قرن هشتم سروده و بخش دوم آن را، شاعری با تخلص عطایی، در قرن دهم به نظم درآورده است.<sup>۲۸</sup> برزنامه، از منظومه‌هایی است که دارای روایت‌های بسیار بوده و ویژگی‌های عیارانه در آن، به نوعی بیشتر از دیگر منظومه‌های حماسی است.

**بانوگشسب نامه:** منظومه ای است در ۱۰۳۲ بیت، از سراینده ای نامعلوم، درباره بانوگشسب، مشهور به سوار دختر رستم و شرح دلآوری‌های او. این اثر از چهار بخش تشکیل شده است: ۱- به شکار رفتن بانوگشسب، همراه فرامرز و کشتن سرور جئیان و ناآگاهانه جنگیدن با رستم. ۲- داستان عاشق شدن شیده، پسر افراسیاب به بانوگشسب. ۳- خواستگاری سه مهتر سرزمین هند از بانوگشسب. ۴- ازدواج گیو ° یکی از یلان ایرانی ° با بانوگشسب، پس از پیروزی او در آزمون فرش. این منظومه، بدون مقدمه آغاز شده و پس از ازدواج بانوگشسب، به طور ناگهانی، پایان می‌پذیرد. همین مسأله، سبب شده است تا، احتمال دهند که شاید بخشی از یک منظومه بزرگ تر، همچون فرامرزنامه باشد. و به چند قرینه، این گمان تقویت می‌شود. مهم تر از همه آن که، این اثر با توصیف تولد فرامرز آغاز شده و سپس به بالیدن او با ویژگی‌های پهلوانی و متفاوت از همسالان خود اشاره می‌کند.<sup>۲۹</sup> تاریخ سرایش این منظومه، به گفته صفا و ژول مول، نیمه اول قرن پنجم هجری است، که مهم ترین دوره حماسه سرایی ایران است و هویت سراینده آن، ناشناس مانده و حدس و گمانی در این باره وجود ندارد، اما بیت‌هایی وجود دارد، که دلالت بر مسلمان بودن او می‌کند.<sup>۳۰</sup> در شاهنامه، نام بانوگشسب، سه بار تکرار شده است و در

شمار سی و دو زن شاهنامه است.<sup>۳۱</sup>

**بهمن نامه:** این منظومه، روایت انتقام جویی بهمن<sup>۳۰</sup> پسر اسفندیار- از خاندان رستم است. یعنی، شوریدن علیه کسانی که پرورنده ابرمرد ایرانیان<sup>۳۰</sup> و خود او- هستند؛ شاید به همین دلیل، آن را ضدحماسه خوانده‌اند. بهمن، یکی از پادشاهان کیانی تاریخ ملی ایران است، که « برترین امشاسپند است. او در گاهان نیز همین مقام را دارد. او پسر هرمزد است. او کردار مردمان را در واپسین داوری می‌سنجد و هرمزد، ارزش مردمان را از طریق او درمی‌یابد. زردشت، از طریق اوست که به نزد هرمزد بار می‌یابد.» (بهار ۱۳۶۲: ۴۵)، اما در متون تاریخی، یگانگی او و اردشیر درازدست تصریح می‌شود، چنانکه، در زند و هومن یسنا، اردشیر کیانی، همان بهمن اسفندیاران است.<sup>۳۲</sup> سراینده آن، ایرانشاه بن ابی‌الخیر، حماسه سرای فارسی گوی سده‌های پنجم و ششم هجری است، که کوش نامه نیز، منسوب بدوست. در این دو منظومه، نامی از ایرانشاه نیامده و اولین بار، صاحب مجمل‌التواریخ از او به عنوان سراینده آن دو اثر نام برده است.<sup>۳۳</sup> و وجود پاره‌ای تفاوت‌ها در دو نسخه این کتاب، حاکی از آن است که ایرانشاه، چند بار در اثر خود، تجدید نظر کرده و رخداد‌های مربوط به اوایل قرن ششم را به آن افزوده است.<sup>۳۴</sup> بهمن نامه، دارای چهار بخش است: دوران بر تخت نشستن بهمن تا توطئه لؤلؤ و کتابیون علیه او. دوره دوم: حملات به سیستان و محاصره آن و نبرد با زال و فرامرز. دوره سوم: ماجرای تعقیب دختران رستم و سرانجام دستگیری آنان. دوره چهارم: نبردهای بهمن و آذربرزین و پایان زندگی بهمن، که هنگام نبرد با اژدها، خود شکار اژدها می‌گردد.

### تحلیل و بررسی صحنه آغازین<sup>۳۵</sup> و بخش مقدماتی قصه‌ها:

اشک洛夫سکی (Sklovskij) دو نحوه ساخت را متمایز می‌کند: تسلسلی که ماجراهای یک قهرمان است و ترکیبی که سلسله قصه‌های به هم پیوسته است. قصه‌های فولکلور و همچنین داستان‌های پهلوانی، ساختی تسلسلی دارند؛ به همین دلیل در شیوه کار پراپ، محور اصلی، قهرمان است و عملکردهای دیگر شخصیت‌ها، حول آن می‌چرخد و تعریف می‌شود. اما قبل از ورود به ماجرای اصلی، که با ظهور قهرمان و وارد شدن شریر به داستان کلید می‌خورد، یک صحنه آغازین ( ) داریم، که در آن قهرمان به همراه خانواده اش معرفی می‌شود. در منظومه‌های مورد بررسی، خویشکاری مهم، تکراری و قابل توجه صحنه آغازین این منظومه‌ها، سفر و عزیمت است و قهرمان، در حالی که در سرزمین دیگری است، به خواننده معرفی می‌شود. (البته



باید توجه داشت که این عزیمت، متفاوت است با سفری که قهرمان پس از ورود شریر به داستان، مجبور به انجامش می‌شود، یا به دلخواه خود به آن سفر می‌رود. در واقع، این منظومه‌ها با گذر از حالتی به حالت دیگر و در حالتی بدون سکون، آغاز می‌شوند و همین زمینه را برای اتفاقات بعدی فراهم می‌کند. گرشاسب نامه با سفر جم آغاز می‌شود. سفری که جم، خود آن را انتخاب کرده و راهی سرزمین‌های ناشناخته می‌شود، پس از آنکه ضحاک بر تخت شاهی می‌نشیند:

که بر شاه جم چون برآسفت بخت      به ناکام ضحاک را داد تخت (گرشاسب نامه، ۴۵)<sup>۳۶</sup>

جم، همه چیز را رها کرده و در بیابان سرگردان می‌شود:

گریزان همی شد جم اندر جهان      پری وار گشته ز مردم نهان  
جدا مانده از تخت و راهی شده      نیاز آمده پادشاهی شده

(همان، ۴۶)

صحنه آغازین برزنامه<sup>۳۷</sup> نیز، بدین گونه آغاز می‌شود که افراسیاب و سپاهش پس از شکست در نبرد با رستم، به سرزمین شنگان می‌رسند و در آنجا به شکلی اتفاقی، برزو را می‌بینند:

شه ترک ناگه یکی بنگرید      کشاورز مردی تناور بدید  
ستاده بدان دشت همچون هیون      به تن همچو کوه و به چهره چو خون

(برزنامه، ۱)

افراسیاب با دیدن برزو، به یگانه بودن او در قهرمانی و جنگاوری پی برده و با فرستادن رویین و سپس گرسیوز، او را به نزد خود خوانده و سرانجام با دادن وعده‌های بسیار، او را برای پروراندن و آموختن جنگاوری با خود می‌برد و با دور شدن قهرمان از محل زندگی و سکون خود، زمینه برای خویشکاری‌های اصلی فراهم می‌شود. در بهمن نامه نیز، آغاز داستان، با نوعی حرکت و انتقال است؛ بهمن پس از به دنیا آمدن و کشته شدن پدرش اسفندیار، به دست رستم سپرده می‌شود و آموزش‌های جنگاوری و پهلوانی را از او می‌آموزد:

به گیتی از او بهمن آمد پدید      تهمتن همی داشتش چون سزید  
هنرهای رستم بیاموخت گرد      یلی گشت بازور و با دستبرد

(بهمن نامه، ۱۸)

و حرکت و انتقال دیگر بهمن در این صحنه، بلافاصله پس از این ابیات آغاز می‌شود. با تیره

گون شدن عمر، گشتاسب از رستم می‌خواهد که بهمن را به بلخ باز گرداند و بهمن،  
 چو بهمن ز مرگ نیا کرد یاد      سوی بلخ رفت او شتابان چو باد  
 ابا او یکی نامدار انجمن      چو دستان و چو رستم پیلتن  
 (همان، ۱۹)

بانو گشسب نامه نیز، با تصویری آغاز می‌شود که دور بودن از منزل و رفتن به سرزمین  
 ممنوعه را نشان می‌دهد. چند بیت اول این منظومه، با به دنیا آمدن فرامرز و سپردن او به دست  
 بانوگشسب، برای آموزش جنگاوری و آیین پهلوانی آغاز می‌شود:

دل و جان به شادی برافروختش      شکار و سواری بیاموختش  
 به اندک زمانی چنان شد دلیر      که زنه‌ار ازو خواست در بیشه شیر  
 (بانوگشسب نامه، ۵۶)

در بانوگشسب نامه، آن لحظه ای که این سفر و عزیمت صورت می‌گیرد و به گفته پراپ  
 صحنه آغازین داستان، شکل داده می‌شود، بدین گونه است که فرامرز و بانوگشسب برای شکار  
 از منزل خارج شده و به دشت رغو در توران می‌روند:

برفتند پویان به توران زمین      فراوان فکندند صید از کمین (همان، ۶۱)

آغاز شدن این منظومه‌ها با نوعی حرکت و عزیمت، شاید درآمدی است که چکیده یکی از  
 مهم ترین و پرتکرارترین خویشکاری این منظومه‌ها را در خود جای داده است. حرکت و رفتن و  
 عدم سکون، از عناصر اصلی این روایت‌ها و به طور کلی حماسه است: «حرکت، روح حماسه  
 است. زندگی هر چه پویاتر و بی آرام تر، به یقین حماسی تر است.» (دهقانی ۱۳۸۹: ۲۳) و  
 کمبل، سفر قهرمان را تکریم و تکرار الگویی می‌داند، به صورت جدایی، تشرّف و بازگشت. «یک  
 قهرمان، از زندگی روزمره دست می‌کشد و سفری مخاطره آمیز به حیطة شگفتی‌های  
 ماوراءالطبیعه را آغاز می‌کند، با نیروهای شگفت در آن جا روبرو می‌شود و به پیروزی قطعی  
 دست می‌یابد. هنگام بازگشت از این سفر پر رمز و راز، قهرمان نیروی آن را دارد که به یارانش  
 برکت و فضل نازل کند.» (کمبل ۱۳۸۷: ۴۰) قهرمانان این منظومه‌ها، بنا به تحلیل پراپ،  
 قهرمانان جستجوگر هستند، که حرکت داستان با حرکت آنان موازی و همسوست. آنچه مایه  
 شگفتی و نشان دهنده تطبیق پذیر بودن تحلیل پراپ با دیگر داستان‌های هند و اروپایی است،  
 شباهت خویشکاری‌های آغازین این منظومه و خویشکاری‌های مطرح شده پراپ، در ریخت  
 شناسی قصه هاست. پراپ، هفت خویشکاری ابتدایی قصه‌ها را، بخش مقدماتی قصه‌ها نامیده

است. خویشکاری‌های مقدماتی پراپ، تا آن نقطه‌ای که بلا و مصیبت آغاز می‌شود، کاملاً در این منظومه‌ها دیده می‌شوند؛ البته قابل ذکر است که بر اساس نظریات پراپ، همه این خویشکاری‌ها، در همه داستان‌ها، حضور ندارند، اما تقدّم و تأخّرشان یکسان است.

### تحلیل و تطبیق خویشکاری‌ها:

#### ۱- یکی از اعضای داستان غیبت می‌کند یا به سفری می‌رود. (β) ۳۹

بهمن نامه: بهمن پس از به دنیا آمدن، برای آموزش به دست رستم سپرده می‌شود و خانه را ترک می‌کند.<sup>۴۰</sup>

برزو نامه: برزو، برای انجام کار روزانه، به دشت شنگان رفته است.

بانوگشسب نامه: فرامرز و بانوگشسب، برای شکار به سرزمین توران رفته‌اند.

تفاوت این مورد با خویشکاری پراپ، در این است که در موارد مورد بررسی، این قهرمان است که خارج شده است نه والدین او.

#### ۲- قهرمان قصه از کاری نهی می‌شود یا به شکل وارونه‌ای، نهی به صورت امر یا پیشنهاد ابراز می‌گردد. (γ) ۴۱

بهمن نامه: وزیر بهمن به او پیشنهاد می‌کند همسری انتخاب کند.

برزو نامه: افراسیاب برزو را می‌بیند، او را به نزد خود خوانده و او را به جنگ برمی‌انگیزد. مادر برزو مخالفت می‌کند.

بانوگشسب نامه: زال، بانوگشسب و فرامرز را از رفتن به توران منع می‌کند.

گرشاسب نامه: ضحاک، گرشاسب را می‌بیند و او را به جنگ با اژدها تشویق می‌کند. اثرط، پدر گرشاسب، مخالف است.

#### ۳- نهی، نقض می‌شود. (δ) ۴۲

پراپ، به این مسأله اشاره می‌کند، که امر کردن و فرمان دادن، همان نقش نهی را بازی می‌کند؛ بدین معنا که پذیرفتن پیشنهاد، همان نتایج نقض نهی را دارد.

بهمن نامه: بهمن، پیشنهاد ازدواج را می‌پذیرد.

برزو نامه: برزو، با وجود مخالفت مادر، پیشنهاد افراسیاب را می‌پذیرد.

بانوگشسب نامه: بانوگشسب، علی‌رغم مخالفت زال، باز هم به توران می‌رود.

**گرشاسب نامه:** گرشاسب، با وجود مخالفت اثرط، جنگ با اژدها را می‌پذیرد.

بنابر نظریه پراپ، پس از این خویشکاری، شریر وارد داستان می‌شود و در مرحله بعد به خبرگیری می‌پردازد. اما در این داستان‌های پهلوانی، (برزونامه و گرشاسب نامه) شریر بعد از غیبت و قبل از خویشکاری نهی، وارد داستان می‌شود و همان ارسال کننده یا فرستنده است. اما در بهمن نامه، رتبه و جایگاه این خویشکاری، دقیقاً متناسب با نظر پراپ است. شریر که همان کتابیون است، پس از پذیرفتن پیشنهاد ازدواج با بهمن، وارد داستان می‌شود. اما در بانوگشاسب نامه، ورود شریر را می‌توان در دو حرکت قصه بررسی کرد: در حرکت اول که بانوگشاسب و فرامرز، برای شکار به توران رفته‌اند، زال و رستم تصمیم به دادن گوشمالی به آنها می‌گیرند:

به رستم چنین گفت یک روز زال      که فرزندها را بده گوشمال  
که هر روز شادان و نخجیرجوی      بیویند پویان به دشت رغوی  
(بانوگشاسب نامه، ۶۳)

سپس، با پیشنهاد زال، رستم با پنهان کردن هویت خود، به قصد گوشمالی آن دو، به جنگ با آنان می‌رود. در اینجا می‌توان رستم را، که با پنهان کردن هویت، به صورتی نمادین خود را ضد قهرمان یا حریف نشان می‌دهد، شریر به حساب آورد. اما در حرکت دوم قصه، که آن هم با رفتن بانوگشاسب و فرامرز به توران آغاز می‌شود، شریر، سپاه اسفندیار است که خیمه آن دو را می‌بیند و در آغاز تصمیم به مبارزه می‌گیرد. سپس شریر به خبرگیری می‌پردازد.

#### ۴- شریر، به خبرگیری می‌پردازد و اطلاعات لازم را به دست می‌آورد. (۴)

پراپ، این دو خویشکاری را، به صورت جداگانه می‌آورد، اما در داستان‌های مورد بررسی، شریر، که همان ارسال کننده و فرستنده قهرمان است، (در بیشتر موارد) دو خویشکاری خبرگیری و کسب اطلاعات لازم را، همزمان انجام می‌دهد. ذکر این نکته نیز ضروری است، که محققان و منتقدان ریخت شناسی پس از پراپ، در جریان جرح و تعدیل نظریه او، بیشتر به تقلیل خویشکاری‌های او روی آوردند و برخی از خویشکاری‌های او را یکی دانسته و تحت یک عنوان مطرح کرده‌اند.<sup>۴۱</sup>

**بهمن نامه:** شریر، کتابیون و لوءلوء- غلام و همدست او- هستند. کتابیون که پس از پیشنهاد ازدواج بهمن، به خاطر مصلحت‌هایی آن را می‌پذیرد، پس از ورود به دربار بهمن، به کسب اطلاعات پرداخته و زمینه را برای نقشه خود، که آوردن معشوقش به دربار است، آماده می‌کند.

**برزونامه:** شریر، که افراسیاب است، به صورت تصادفی، برزو را در دشت شنگان می‌بیند:  
 چو افراسیابش بدان سان بدید      به پیران ویسه یکی بنگرید  
 بدان نامداران چنین گفت پس      کزین سان دلاور ندیده است کس  
 (برزونامه، ۲-۱)

سپس، به خبرجویی می‌پردازد و می‌خواهد بداند که این مرد دلیر کیست؟ خبرگیری را، با فرستادن رویین و سپس گرسیوز برای آوردن او انجام می‌دهد. برزو که با آمدن رویین، خشمگین می‌شود، از رفتن نزد افراسیاب سر باز می‌زند، اما گرسیوز با سخنان نرم خود، او را به دام افکنده و نزد افراسیاب می‌آورد و افراسیاب از نژاد او سؤال می‌کند:  
 بدو گفت ای مرد با رای و کام      نژادت کدام و چه مردی به نام؟  
 ز تخم که ای؟ وز کدامین گهر؟      که داری در اینجا ز مام و پدر؟  
 (همان، ۴)

**بانوگشسب نامه:** پس از آنکه بانوگشسب و فرامرز، نهی زال را نقض کرده و به دشت رغوی می‌روند، در حرکت اول، رستم با دنبال کردن آنان، درحالی که هویت خود را پنهان کرده است، به خبرجویی می‌پردازد و با تهدید از آنان می‌پرسد:  
 بگوئید تا هر دو را نام چیست؟      بدین جایگه هر دو را کام چیست؟ (بانوگشسب نامه، ۶۷)  
 و در حرکت دوم داستان، بانوگشسب و فرامرز در چادر خود آرمیده‌اند، که سپاه افراسیاب به آنجا می‌رسد. این گروه، که هفتاد تن از دلیران و مردان روز نبرد هستند، با دیدن آن چادر، ترس و نهیب در دلشان ایجاد می‌شود، اما به رهبری پیران، به خبرجویی از آنان می‌پردازند:  
 چو پیران بدید آن دو آذرگشسب      بیامد به نزدیک بانوگشسب  
 پرسید کای نامور سرکشان      بگوئید با من ز نام و نشان  
 چه نامید از خیل نام آوران؟      که آید از دلیران گندآوران؟  
 (همان، ۸۹)

**گرشاسب نامه:** در اینجا نیز، همچون برزونامه، شریر که همان فرستنده به جنگ است، در مسیر خود به سمت هندوستان، به منزل اثرط، پدر گرشاسب، می‌رسد و در جشنی که اثرط، به یمن ورود او برگزار کرده، برای اولین بار گرشاسب را می‌بیند:  
 همه چشم ضحاک از آن بزم و سور      به گرشاسب بُد خیره مانده ز دور  
 که از چهر و بالا و فر و شکوه      همانند او کس نید زان گروه  
 (گرشاسب نامه، ۷۰)

سپس ضحاک، می‌خواهد که هنرنمایی و زورآزمایی گرشاسب را ببیند و بدین گونه به خبرجویی می‌پردازد:

به اثرط بفرمود و گفتا به گاه  
که تا زین دلیران ایران هنر  
سواری او نیز ما بنگریم  
به دشت آر گرشاسب را با سپاه  
بیند چو گردند با یکدگر  
به میدان هنرهای او بشمریم  
(همان، ۷۳)

### ۵- شیریر، می‌کوشد قربانیش را بفریبد تا بتواند بر او یا چیزهایی که به وی تعلق دارد، دست یابد. (۱۱)

این عنوان خویشکاری پراپ است، اما در این داستان‌ها، شیریر قهرمان را با دادن وعده‌ها، از رسیدن به سلطنت تا کسب گنج و... می‌فریبد، تا با فرستادن قهرمان به جنگ دشمن خودش، انتقام بگیرد یا به دلیل ترس از قدرت قهرمان، او را از سرزمین خود دور کند و با سرگرم کردن قهرمان با بلایا و مصایب جنگ، جایی برای اندیشیدن به پادشاهی در ذهن او باقی نگذارد.

**برزونامه:** افراسیاب، پس از دیدن قهرمان و یگانه یافتن او در جنگاوری، تصمیم می‌گیرد به دست برزو، رستم را از پای درآورد و با دادن وعده‌های بسیار، می‌خواهد او را تطمیع یا اغوا کند:

بدو گفت ای گرد پهلونژاد  
بیابی ز من دولت و کام تو  
همان کشور و دخترم آن تست  
ز توران زمین تا به ماچین و چین  
زمانه ترا داد دولت بداد  
به شاهی کشد این سرانجام تو  
همام لشکرم زیر فرمان تست  
ترا شهریاران کنند آفرین  
(برزونامه، ۵)

**گرشاسب نامه:** شیریر (ضحاک) ، پس از عصیان پهو، شاه سرانندیب، با نوشتن نامه ای، گرشاسب را نزد خود فرا می‌خواند و با دادن گنج و گهر به او، وی را می‌فریبد:

چو بشنید کامد سپهبد ز راه  
همه لشکر و کوس و بالا و پیل  
چو آمد نشاندش بر تخت شاد  
گهر دادش و چیز چندان ز گنج  
به نوئی بیاراست ایوان و گاه  
پذیره فرستاد بر چند میل  
یکی هفته بد با می و رود و باد  
که ماند از شمارش مهندس به رنج  
(گرشاسب نامه، ۸۵)

**بهمن نامه:** در این منظومه، از آنجایی که شریر زن است، شیوه او برای اغوا کردن قهرمان نیز، زنانه است. کتایون، که بنا به مصلحت، همسری بهمن را می‌پذیرد، غلامی دارد که در خفا دلدادۀ اوست. کتایون، پس از آمدن به دربار بهمن، برای آوردن غلام خود به دربار تلاش می‌کند و برای تحقق آن، تصمیم می‌گیرد آن غلام را برادر خود معرفی کند و برای دلداری او می‌گوید:

چو من بانوی شاه بهمن شوم      ز بدگوی و گفتارش ایمن شوم  
همانگه برادر کنم نام تو      برآید مراد من و کام تو  
(بهمن نامه، ۴۲)

کتایون، با همین حيله و ترفند، بهمن را می‌فریبید و او را به آوردن لوء لوء به دربار، ترغیب کرده و به مراد خود می‌رسد. شبی بهمن در اوج سرمستی به او می‌گوید:

به بازی و خنده بدان ماه گفت      که در کار تو من بماندم شگفت  
زمین هفت کشور به شاهی مراست      مرا هر چه هست آن همه متراست  
ز من آرزویی نخواهی همی      ندانم که خود بر چه راهی همی  
(همان، ۶۰)

کتایون، از فرصت استفاده کرده و خواستۀ خود را بر زبان می‌آورد:

کتایون بدو گفت اگر شهریار      ندارد گران این برو هست خوار  
ز کشمیر لوء لوء ز بهر دلم      بیامد که پیوند از او نگسلم  
به یک جای ما هر دو همشیره ایم      هم از مهر یکدیگران خیره ایم  
اگر شاه وی را گرامی کند      به پیش بزرگانش نامی کند  
بود بر سر من فراوان سپاس      مر او را به جای برادر شناس  
(همان، ۶۱)

بانوگشسب نامه: سپاه شریر، که با شناسایی چادر رستم و پس از خبرگیری به هویت قهرمان پی می‌برند، در دل خود هیبت و ترسی احساس کرده و آن دو را به میهمانی دعوت می‌کنند:

که گر می‌پذیری در این صید گاه      کنی سربلند این رهی را ز راه  
یک امروز و فردا هم اینجا بیا      تو مهمان مایی و ما کدخدا  
دو روزی در این دشت با یکدگر      بباشیم با شادی و نوش و خور  
(بانوگشسب نامه، ۹۰)

**۶- قربانی می‌پذیرد. (۱۰)**

در خویشکاری قبل، نوعی قرارداد و پیمان میان شریر و قهرمان بسته می‌شود و قهرمان با پذیرفتن این نوع پیشنهادها، در واقع فریب می‌خورد.

**گرشاسب نامه:** ضحاک، با استقبالی بی نظیر از گرشاسب و دادن گنج و زر به او، او را تطمیع می‌کند و قهرمان، رفتن به جنگ را می‌پذیرد و حتی از بردن سپاهیان بیشتر خودداری می‌کند:

گو پهلوان گفت چندین سپاه      نباید که دشخوار و دور است راه  
مرا لشکری کازمون کرده ام      همین بس که از زاول آورده ام  
(گرشاسب نامه، ۸۶)

**بهمن نامه:** اغواگری‌های کتابیون، نتیجه بخش بوده و بهمن با فرستادن گنجینه و غلام و... و با تشریفات ویژه، لوءلوه را به دربار می‌آورد:

دگر ده کنیزک ز خوبان چین      به رنگ گل و بوی چون حور عین  
از اسبان تازی که دارند نام      ده اسب آوریدند زرین ستام  
همه پیش لوءلوه فرستاد شاه      بفرمود کایید سوی بارگاه  
(بهمن نامه، ۶۲)

**بانوگشسب نامه:** فرامرز و بانوگشسب، پیشنهاد را می‌پذیرند و حتی، خود پیش قدم شده و آنان را به مهمانی دعوت می‌کنند:

فرامرز گفتش که ای پهلوان      سزد گر بیایی به روشن روان  
نخستین شما میهمان منید      گرم دوستدارید و دشمنید  
(بانوگشسب نامه، ۹۱)

**برزونامه:** برزو نیز، با شنیدن وعده‌های شریر، خواسته او را می‌پذیرد و خطاب به افراسیاب چنین می‌گوید:

به یزدان دادار و روز سفید      به گردون گردان و تابنده شید  
به فرخنده فرخ مه فرودین      به آیین بزم و به میدان کین  
که گر دل بر این کار پر کین کنم      مر آن مرد را خشت بالین کنم  
(برزونامه، ۷)



### ۷- شریر، به یکی از اعضای خانواده صدمه یا جراحی وارد می‌سازد. (A)

پراپ، در ریخت شناسی قصه‌های پریان، به این مسأله اشاره می‌کند که خویشکاری‌های ارائه شده در همه قصه‌ها نمی‌آید، اما ترتیب آمدن آنها، یکسان است. این خویشکاری، در بهمن نامه دیده می‌شود و از دوازدهمین نوع آن است: شریر کسی را جانشین کس دیگر می‌کند. کتابیون در یکی از روزها که بهمن به شکار رفته است، پس از دادن گنج و زر به درباریان و همراه کردن آنها، لوءلوه را به دربار آورده و بر اریکه قدرت تکیه می‌زنند:

دگر روز گردان چو بیرون شدند	پس این هر دو پیش کتابیون شدند
کتابیون فروهشت برقع به روی	چو ماهی به میخ اندرون روی اوی
نشست از بر تخت لوءلوه برش	چو بهمن نشستی که بد شوهرش

(بهمن نامه، ۸۹)

### نتیجه:

یکی از شیوه‌های نگاه به ادبیات، رویکرد ساختارگرایانه است؛ رویکردی که مخالف ذره‌نگری بوده و در هر پدیده ادبی، اجتماعی، تاریخی، اسطوره ای و ... نظامی می‌جوید. ولادیمیر پراپ روسی، از محققانی است که در روند بررسی قصه‌های مورد نظرش، چنین نظامی را یافته و آن را «ریخت شناسی» نامید. رویکردی که آغازگر جریان عظیمی در روند تحقیق ادبی دیگر سرزمین‌ها گردید. از آنجایی که قصه‌های مورد بررسی پراپ، از قصه‌های هندواروپایی است و قابلیت تطبیق و بررسی را در داستان‌های دیگر نیز دارد، در این مقاله، چهار منظومه حماسی (بانوگشسب نامه، بهمن نامه، برزنامه، گرشاسب نامه) بر پایه نظریات او، مورد مذاقه قرار گرفت. پراپ، هفت خویشکاری نخست قصه‌ها را، بخش مقدماتی قصه می‌نامد و بخش قبل آن‌ها را، صحنه آغازین. مهم‌ترین و پر تکرار ترین خویشکاری در صحنه آغازین این منظومه‌ها، «سفر» و «عزیمت» است. خویشکاری که چکیده مهم‌ترین عنصر این منظومه‌ها را، که جستجو و رفتن قهرمان به دوردست هاست، در خود جای داده است؛ به همین دلیل، معمولاً این منظومه‌ها با حضور قهرمان و دیده شدن او در سرزمین دیگر یا در خارج از خانه خود آغاز می‌شوند. پس از صحنه آغازین، بخش مقدماتی قصه است که هفت خویشکاری: غیبت، نهی، نقض نهی، خبرگیری، اغواگری، واکنش قهرمان و مصیبت را دربر دارد. که همان گونه که مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته شد، این خویشکاری‌ها، کاملاً با بخش مقدماتی منظومه‌ها، همخوان و منطبق

هستند و این منظومه‌ها در این بخش، دارای ساختار بیرونی یک شکل با قصه‌های مورد بررسی پراپ هستند.

### پی‌نوشت:

۱. درباره‌ی این نظریات به ترتیب رک شاعر و پهلوان، ص ۷۲. فردوسی و سروده‌هایش، صص ۱۴۹-۱۴۸
۲. رک درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی، حمیدیان، ص ۴۵
۳. رک صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، ص ۶۱۴. امیدسالار گرشاسب نامه را از حیث شیوایی و فصاحت دوّمین منظومه حماسی پس از شاهنامه می‌داند اما معتقد است اسدی گهگاه آن قدر در شیرین کاری‌های عروضی و بدیعی فرو می‌رود که مشغول خودنمایی‌های شاعرانه شده و رشته داستان را از دست می‌دهد. در این باره رک جستارهای شاهنامه شناسی و مباحث ادبی، مقاله نکاتی درباره‌ی گرشاسب نامه، صص ۴۳۱-۴۱۶ و مهرداد بهار به خدمت کردن در دربار ضحاک خرده می‌گیرد. رک جستاری در فرهنگ ایران، ص ۱۵۶
۴. به ترتیب رک آیا بهمن نامه حماسه ملی است؟ صص ۲۵-۲۰. اسطوره زال، ص ۲۵۲
۵. رک ساختار ساختارها، بخارا، ش ۲، س ۱۳ محمد مختاری نیز دارای چنین نگاهی است. رک انسان در شعر معاصر، ص ۸۴
۶. رک از رنگ گل تا رنج خار، سرآمی، بخش ارسطو و شکل شناسی، صص ۳۹-۳۶
۷. این عنوان چون برجسی تحقیرآمیز برای این گروه به کار برده شد. رک درآمدی بر فرمالیسم، قاسمی پور، ص ۱۹
۸. در این باره رک Terence Hawkes, structuralism and semiotics، ص ۴۵
۹. رک درآمدی بر فرمالیسم در ادبیات، قاسمی پور صص ۳۳-۳۰ و درباره‌ی نظر شکوفسکی در این باره رک به : راهنمای نظریه ادبی معاصر، سلدن، ص ۲۱
۱۰. برخی از محققان ادبی کوشیده‌اند با تکیه بر مبانی فرمالیسم، رابطه فرم‌های ادبی و طبقات اجتماعی را بیابند؛ یکی از این محققان کارولین لوین است که در این رابطه از اصطلاحی با عنوان فرمالیسم فرافرا ساختارگرا نام می‌برد. در این باره رک strategic formatism صص ۶۳۳-۶۳۲
۱۱. رک نظریه جامعه شناسی، ریتزر، ص ۵۴۳. پیش درآمدی بر نظریه ادبی، ایگلتون، صص ۱۳۳-۱۳۲
۱۲. رک به ترتیب نظریه جامعه شناسی، ص ۵۴۳ و ساختار و تاویل متن، ص ۷
۱۳. درباره یاین اصطلاحات رک بوطیقای ساخت گرا، کالر، ص ۲۵ و درآمدی بر نظریه‌های نقد ادبی، برسلر، ص ۱۲۶
۱۴. رک به مقاله ی الن دلندس
۱۵. لوی استراوس نیز با تحقیر واژه شکل گرا را برای پراپ به کار برده است. رک نظریه‌های روایت، مارتین والاس، ص ۷۰
۱۶. رک Terence Patrick Murphy, the pivotal eight function and the pivotal fourth character ص ۶۰. ساختار و تاویل متن، احمدی، ص ۱۴۸؛ مبانی نظریه ادبی، برتنس، صص ۵۰-۴۹
۱۷. رک Terence Patrick Murphy, the pivotal eight function and the pivotal fourth character ص ۶۰
۱۸. برمون نیز این حوزه‌ها را تقلیل داده است. رک بوطیقای ساختارگرا، تزوتان تودوروف، ص ۸۸

۱۹. گویا منبع هر دو کتاب یکی بوده است. رک گرشاسب در پویه ادب فارسی، ندیم، ص ۴۰
۲۰. یسن نهم یا هوم یشت، وندیداد و یشت‌ها (پنجم، سیزدهم، پانزدهم، نوزدهم) رک همان، صص ۲۱-۹ و نیز در مه‌بهاراته و پورانا اشاراتی به او هست. رک زبان، فرهنگ و اسطوره، آموزگار، مقاله گرشاسب در پیشگاه اورمزد، صص ۳۳۶-۳۲۷
۲۱. درباره این جایجایی‌ها و سه لقب گرشاسب، سام و نریمان رک اسطوره زال، مختاری، ص ۱۰۸. پژوهشی در اساطیر ایران، بهار، ص ۱۸۸. سایه‌های شکار شده، سرکاراتی، صص ۲۵۷-۲۵۶. اساطیر ایرانی، کارنوی، ص ۹۶. گرشاسب در پویه ادب فارسی، ندیم، صص ۱۰۱-۹۱
۲۲. درباره دلایل آن رک ادب پهلوانی، مؤذن جامی، ص ۴۶. فردوسی و شاهنامه، طباطبایی، ص ۳۲۸
۲۳. درباره این صفت رک گرشاسب در پویه ادب فارسی، ندیم، ص ۶۹
۲۴. برای دیدن جزئیات این مبارزات رک اساطیر ایرانی، کارنوی، صص ۹۴-۹۱. حماسه سرایی در ایران، صفا، صص ۵۵۸-۵۵۶. کارنامه شاهان، کریستن سن، صص ۱۱-۹. پژوهشی در اساطیر ایران، بهار، صص ۱۳۲-۱۲۸. آفرینش زبانکار، کریستن سن، صص ۲۷-۲۲ و صص ۸۰-۷۹. نهادینه‌های اساطیری، واحد دوست، صص ۲۴۶-۲۴۱
۲۵. رک دانشنامه ادب فارسی، اسماعیل پور، ذیل برزنامه، ج ۳، ص ۱۶۵
۲۶. رک مقدمه برزنامه (بخش کهن)، نحوی، ص بیست و هفت. هفت لشکر، افشاری و مدائنی، صص ۳۲۵-۲۶۹ و صص ۳۵۴-۳۲۹
۲۷. رک حماسه سرایی در ایران، صفا، ص ۳۰۹
۲۸. رک مقدمه نحوی بر برزنامه، صص سی و دو و سی و هفت. امیدسالار نیز دارای نظری مشابه نحوی است رک جستارهای شاهنامه شناسی و مباحث ادبی، ص ۴۵۴
۲۹. رک بانوگشسب نامه، ص ۵۵
۳۰. رک همان، ص ۱۲۹ و ۱۱۴
۳۱. رک همان، ص ۲۰. روایت بانوگشسب در هفت لشکر بسیار متفاوت است. در این روایت کاووس حضور پررنگی دارد و حتی از خواستگاران بانوست. رستم دو شرط برای ازدواج با بانوگشسب تعیین می‌کند: آزمون قالی و کشیدن کمان نریمان. و اثری از سه مهتر سرزمین هند دیده نمی‌شود. رک هفت لشکر، افشاری و مدائنی، صص ۲۰۴-۱۹۷
۳۲. درباره این یگانگی رک کارنامه شاهان، کریستن سن، ص ۱۸۱. ادب پهلوانی، مؤذن جامی، ص ۱۰۶. زمین الاخبار، گردیزی، ص ۸۰. مجمل التواریخ، ص ۳۰
۳۳. رک دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج دهم، ص ۶۸۶ و مقدمه دکتر عقیقی بر بهمن نامه، ص پانزده
۳۴. رک دانشنامه زبان و ادب فارسی، فریبا شکوهی، ج ۲، صص ۸۷-۸۶
۳۵. قابل ذکر است که صحنه آغازین در اینجا چگونگی آغاز شدن این منظومه‌ها در یک شمای کلی است که خویشکاری (عنصر اصلی) آن سفر و عزیمت است که اولین داستان هر منظومه با آن آغاز می‌شود؛ از نظر پراپ در صحنه آغازین افراد یک خانواده معرفی می‌شوند.

۳۶. شماره صفحات ذکر شده است.
۳۷. برزنامه چاپ دبیرساقی مورد تحلیل قرار گرفته است.
۳۸. رک مقاله داد و بیداد مرگ (بررسی تصویر مرگ در شاهنامه)، صص ۵۳-۲۳
۳۹. علامت‌هایی است که پراپ به خویشکاری‌ها اختصاص داده است.
۴۰. پراپ نوع دیگری از غیبت را مرگ پدر و مادر می‌داند و در بهمن نامه این مورد هم می‌تواند غیبت به شمار آید. داستان با مرگ اسفندیار پدر بهمن آغاز می‌شود.
۴۱. برای مثال رک مقاله Terence Patrick Murphy

### منابع

- آموزگار، ژاله. (۱۳۸۶)، *زبان، فرهنگ و اسطوره (مجموعه مقالات)*، تهران: انتشارات معین
- احمدی، بابک. (۱۳۸۶)، *ساختار و تأویل متن*، تهران: نشر مرکز، چاپ نهم
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۰)، *ساختار و هرمنوتیک*، تهران: گام نو، چاپ اول
- اسدی طوسی. (۱۳۸۹)، *ابونصر علی بن احمد، گرشاسب نامه، تصحیح حبیب یغمایی*، تهران: دنیای کتاب، چاپ دوم
- اسکولز، رابرت. (۱۳۸۳)، *ساختارگرایی در ادبیات*، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: آگه، چاپ دوم
- افشاری، مهران و مهدی مداینی. (۱۳۷۷)، *هفت لشکر، طومار جامع تقالان*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- امیدسالار، محمود. (۱۳۸۱)، *جستارهای شاهنامه شناسی و مباحث ادبی*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشاری یزدی
- ایرانشاه بن ابی الخیر. (۱۳۷۰)، *بهمن نامه*، تصحیح رحیم عقیقی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ اول
- ایگلتون، تری. (۱۳۸۳)، *پیشدرآمدی بر نظریه ادبی*، ترجمه ی عباس مخبر، تهران: مرکز، چاپ سوم
- برتلس، یوگنی ادواردویچ. (۱۳۶۹)، *فردوسی و سروده هایش*، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: انتشارات هیرمند
- برتنس، هانس. (۱۳۸۷)، *میانی نظریه ادبی*، ترجمه ی محمدرضا ابوالقاسمی، تهران: ماهی، چاپ دوم
- برسلر، چارلز. (۱۳۸۶)، *درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی*، ترجمه مصطفی عابدینی فرد، ویراستار حسین پاینده، تهران: نیلوفر، چاپ اول
- بهار، مهرداد. (۱۳۶۲)، *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران: انتشارات توس
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵)، *جستاری در فرهنگ ایران*، تهران: نشر اسطوره
- پراپ، ولادیمیر. (۱۳۸۹)، *ریخت شناسی قصه‌های پریان*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: توس، چاپ دوم
- تودوروف، تزوتان. (۱۳۸۲)، *بوطیقای ساختارگرا*، ترجمه محمد نبوی، تهران: آگه، چاپ دوم
- توکلی، حمیدرضا. (۱۳۸۹)، *بوطیقای روایت در مثنوی*، تهران: مروارید، چاپ اول
- حمیدیان، سعید. (۱۳۸۳)، *درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی*، تهران: انتشارات ناهید، چاپ دوم
- خانمی، محمود. (۱۳۸۶)، *مدخل فلسفه غربی معاصر*، تهران: علم، چاپ اول

- خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۸)، گل رنج‌های کهن، تهران: نشر ثالث، چاپ اول
- خدیش، پگاه (۱۳۸۷)، ریخت شناسی افسانه‌های جادویی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول
- خواجه عمید عطاء بن یعقوب (۱۳۸۲)، برزنامه، به اهتمام محمد دبیرسیاقی، تهران: انجمن آثار و مفاخر ملی، چاپ اول
- دهقانی، محمد (۱۳۸۹)، از شهر خدا تا شهر انسان، تهران: انتشارات مروارید
- دیویدسن، الگا (۱۳۷۸)، شاعر و پهلوان در شاهنامه، ترجمه فرهاد عطایی، تهران: نشر تاریخ ایران
- ریتزر، جورج (۱۳۷۷)، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی، چاپ سوم
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۵)، ارسطو و فن شعر، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم
- سرآمی، قدمعلی (۱۳۸۳)، از رنگ گل تا رنج خار، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ چهارم
- سرکاراتی، بهمن (۱۳۸۵)، سایه‌های شکار شده، تهران: انتشارات طهوری، چاپ دوم
- سلدن، رامان (۱۳۷۲)، راهنمای نظریه ادبی معاصر، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو، چاپ اول
- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۹)، ساختار ساختارها، مجله بخارا، ش ۲ (پی در پی ۷۷ و ۷۸)، س ۱۳
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: نشر آگه، چاپ نهم
- صفا، ذبیح الله (۱۳۵۲)، حماسه سرایی در ایران (از قدیم‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری)، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم
- طباطبایی، محیط (۱۳۶۹)، فردوسی و شاهنامه (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات امیرکبیر
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱)، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان شناسی، تهران: نی، چاپ اول
- قاسمی پور، قدرت (۱۳۸۶)، درآمدی بر فرمالیسم در ادبیات، اهواز: رشن، چاپ اول
- کارنوی، آلبرت جوزف (۱۳۴۱)، اساطیر ایرانی، ترجمه احمد طباطبایی، تهران: انتشارات امیرکبیر
- کالر، جانانان (۱۳۸۸)، بوطیقای ساخت گرا، ترجمه کوروش صفوی، تهران: مینوی خرد، چاپ اول
- کرایب، یان (۱۳۸۱)، نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس، ترجمه عباس مخبر، تهران: آگه، چاپ دوم
- کریستن سن، آرتور (۲۵۳۵)، آفرینش زبانکار در روایات ایرانی، ترجمه احمد طباطبایی، تهران: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۰)، کارنامه شاهان در روایات ایران باستان، ترجمه باقر امیرخانی و بهمن سرکاراتی، تبریز: انتشارات کمیته استادان دانشگاه تبریز
- کمبل، جوزف (۱۳۸۷)، قهرمان هزارچهره، ترجمه شادی خسروپناه، مشهد: نشر گل آفتاب، چاپ سوم
- کوسج، شمس الدین محمد (۱۳۸۷)، برزنامه (بخش کهن)، مصحح اکبر نحوی، تهران: انتشارات میراث مکتوب
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود (۱۳۸۴)، زین الاخبار، به اهتمام رحیم رضازاده ملک، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- مارتین، والاس (۱۳۸۶)، نظریه‌های روایت، ترجمه محمد شهباء، تهران: هرمس
- مختاری، محمد (۱۳۷۹)، اسطوره زال، تهران: انتشارات توس، چاپ دوم
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۸)، انسان در شعر معاصر، انتشارات توس، چاپ سوم

- مؤذن جامی، محمد مهدی. (۱۳۸۸)، *ادب پهلوانی*، تهران: انتشارات ققنوس
- ناشناس، (۱۳۸۲)، *بانو گشسب نامه*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول
- ناشناس، (۱۳۱۸)، *مجموعه‌های توارخ و القصص*، تصحیح ملک الشعرا بهار، تهران: چاپخانه خاور
- نقیب زاده، میر عبدالحسین. (۱۳۸۷)، *نگاهی به نگرش‌های فلسفی سده بیستم*، تهران: طهوری
- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۸۷)، *آیا بهمن نامه حماسه ملی است؟*، فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ۵(۱۸)، صص ۲۵-۲۰
- هارلند، ریچارد. (۱۳۸۸)، *درآمدی تاریخی بر نظریه ادبی «از افلاطون تا بارت»*، گروه ترجمه: علی معصومی، ناهید سلامی، غلامرضا امامی، شاهپور جورکش. تهران: چشمه، چاپ سوم
- هیوز، هنری استیوارت. (۱۳۸۱)، *براه فروبسته*، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم
- Dundes, Alan, 1962, from etic to emic units in the structural study of folktales, the journal of American folklore, vol. 75, No. 296, pp. 95-105
- Hawkes, Terence, 2003, Structuralism and Semiotics, second edition, by Routledge.
- Levine, Caroline, 2006, Strategic Formalism: Toward a new method in cultural studies, source: Victorian studies, Vol. 48, No. 4, pp. 625-657, published by: Indian University Press.
- Patrick Murphy, Terence, 2008, The pivotal eighth function and the pivotal fourth character : resolving two discrepancies in Vladimir: Propp's Morphology of the folktale, SAGE publications (Los Angeles, London, New Delhi and Singapore), Vol. 17(1): 59-75.
- \*تعبیر از حمیدرضا توکلی در کتاب «بوطیقای روایت در مثنوی» است.